



صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران

معاونت سیاسی

اداره پژوهش های سیاسی

**مروری بر مداخلات بین المللی بر سر نفت
با تاکید بر دست اندازی آمریکا به منابع نفتی سوریه**



فرآورده‌های خبری و تولیدات پژوهشی در بخش های زیر قابل دسترس است:

– وب سایت خبرگزاری صدا و سیما (سرویس پژوهش) <http://www.iribnews.ir>

پژوهشگر: مرتضی هوشیار

فهرست مطالب

عنوان

صفحه

۱ مقدمه
۱ ■ نفت ، عاملی فراتر از توسعه
۲ ■ مخاصمات بین المللی بر سر نفت
۴ ■ تعهدات قانونی اشغالگر در قبال سرزمین های اشغالی
۶ ■ آمریکا و تاراج نفتی سوریه
۷ ■ نتیجه گیری



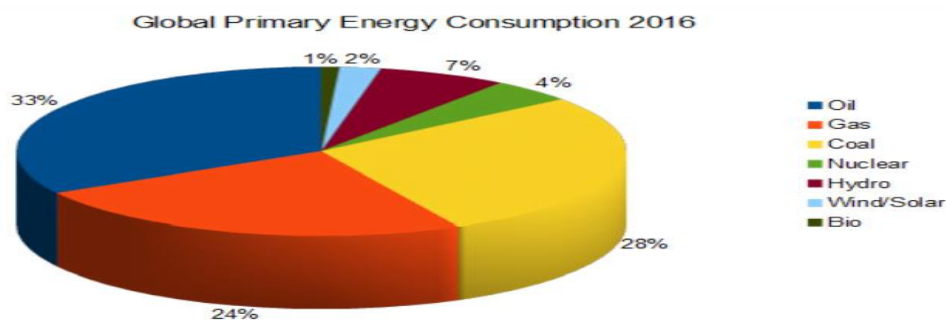
نفت به عنوان اصلی‌ترین عامل تولید که موجبات رشد و توسعه اقتصادی را فراهم می‌سازد، از بدو استخراج و پالایش مورد توجه تمامی کشورهای جهان بوده است. بحران نفت از طریق هر عاملی که سبب بروز اختلال در طرف تقاضا یا عرضه نفت و متعاقب آن در بازار نفت شود بر اقتصاد جهان تأثیر سوء خواهد داشت. اهمیت نفت برای کشورها به قدری زیاد است که تعدادی از کشورها بر سر کنترل منابع آن درگیر مخاصمات بین‌المللی شده‌اند. صاحب نظران مسایل نفت و سیاست بر این باورند در هر کشوری که جنگی رخ دهد و ذخایر نفتی در آنجا وجود داشته باشد، جنگ مذکور به گونه‌ای با نفت مرتبط است. این کارشناسان همچنین یکی از دلایل تهاجم رژیم بعثی به کشورمان و تهاجم یک دهه بعد صدام به کویت را کنترل منابع نفتی می‌دانند. حال واقعیت این است که این رویه غیرانسانی تنها به برخی کشورهای جهان سوم منحصر نمی‌شود بلکه طبق اخبار و اسناد متعدد دولت پُر مدعای آمریکا در تهاجم به عراق و سوریه تلاش زیادی برای کنترل و بهره برداری غیرقانونی از منابع یادشده به عمل آورده و این غارتگری هنوز هم ادامه دارد. برخی از این اسناد تاکید دارد که آمریکا حدود ۹۰ درصد چاه‌های نفتی سوریه را در کنترل خود دارد. در حالی که طبق مقررات حقوق بین‌الملل این رفتار با تعهدات دولت اشغالگر در سرزمین‌های اشغالی در تضاد است.

نوشتار زیر خلاصه‌ای است از مطالب مرتبط با موضوع مندرج در بالا که از منظر خوانندگان می‌گذرد.

■ نفت ، عاملی فراتر از توسعه

از آنجا که هیچ گونه فعالیتی در هیچ یک از عرصه‌های زندگی و در جهان هستی بدون استفاده از انرژی؛ میسر و امکان پذیر نیست؛ بنابراین به سادگی می‌توان دریافت که اقتصاد جوامع بشری بدون وجود انرژی ناممکن و محکوم به نابودی است. واقعیت این است که نفت به عنوان اصلی‌ترین عامل مهم تولید که موجبات رشد و توسعه اقتصادی را فراهم می‌سازد، از بدو استخراج و پالایش مورد توجه تمامی کشورهای جهان بوده است.

بر اساس اطلاعات و آمار انتشار یافته در سال ۲۰۱۶، سهم نفت در رشد و توسعه اقتصاد جهانی بیش از سایر منابع انرژی بوده است. نمودار زیر به خوبی این واقعیت را نشان می‌دهد.^۱



(به ترتیب: نفت، گاز، ذغال سنگ، انرژی هسته‌ای، انرژی آبی، انرژی پاک شامل باد و خورشید، انرژی بیولوژیک شامل هر نوع سوخت غیرفسیلی که در طبقه‌ی مواد آلی، بیولوژیکی یا گیاهی قرار می‌گیرد.)

^۱ <https://glintpay.com/blog/oil-still-underpins-worlds-economy>

بنابراین در صورتی که صنعت و در پی آن بازار نفت دچار بحران (تکانه نفتی) شود؛ اقتصاد جهانی به سرعت دچار افول خواهد شد. به خصوص اگر این عامل یا عوامل؛ غیر قابل پیش بینی و در کوتاه مدت غیر قابل تعدیل باشند. این عوامل بحران ساز را با عنوان تکانه‌های نفتی در بازار نفت توصیف می‌کنند. حال اگر این اختلالات به‌طور گسترده بر صحنه‌های اقتصادی یک یا چند کشور به نحوی اثر گذارد که اقتصاد داخلی آنها دچار مشکلات گسترده شود، این تکانه تبدیل به بحرانی برای اقتصاد آن کشورها می‌شود. در جهان امروز، نفت نه تنها به عنوان یک عامل تعیین کننده اقتصادی و صنعتی، که به عنوان یک عامل سیاسی و امنیتی نیز مطرح است. در واقع نفت عاملی اساسی برای رسیدن به هدف‌های اقتصادی، صنعتی، سیاسی و تأمین امنیت ملی است. هدف همه جوامع بشری و به ویژه همه دولت‌ها دست یافتن به میزانی از رشد اقتصادی است که بتواند رفاه جامعه را تأمین کند. رسیدن به این هدف یا میزان رشد اقتصادی مورد نظر، نیازمند برخورداری و بهره‌وری از دو عامل سرمایه و انرژی است. از همین جا ارتباط میان رشد اقتصادی و انرژی آشکار می‌شود. با توجه به این اهمیت کم نظیر نفت، تلاش برای دستیابی به منبع یادشده منطقی است.

برای برخی تحلیل‌گران که به ویژه از نیمه دوم قرن بیستم، عمده تحلیل‌های خود را بر پایه اهمیت روزافزون منابع انرژی در افول و بروز درگیری‌های منطقه‌ای و منازعات بین‌المللی بنا می‌کنند، جنگ جهانی دوم نیز تلاشی برای تسلط بر منابع نفتی ارزیابی می‌شود، رقابتی که میان انگلیس و اتحاد جماهیر شوروی از یک سو و آلمان از سوی دیگر بر سر کنترل حوزه‌های نفتی خاورمیانه و قفقاز درگرفته بود. بدون در اختیار داشتن منابع نفتی در منطقه خاورمیانه، حفظ منافع اقتصادی و استراتژیک انگلیس در این منطقه چه در زمان جنگ و چه در زمان صلح ممکن نبود و برای آلمان‌ها نیز بدون وجود حجم انبوه سوخت‌هایی که نیروهای زمینی، هوایی و دریایی را پیش می‌راند، نمی‌شد هیچ پیشروی پیوسته و مداومی را تصور کرد. هر چند پیش از آغاز جنگ جهانی دوم برای اقتصاد صنعتی اروپا نیز مسئله تأمین سوخت ارزان و فراوان همواره دغدغه‌ای جدی بود. در دهه‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ بیش از ۹۰ درصد نفت مصرفی انگلیس از عراق و ایران تأمین می‌شد و عمدتاً نیز صرف توسعه صنایع و تأمین سوخت برای نیروی دریایی عظیم این کشور می‌شد. برای آلمان نیز که تحولی سریع در توسعه صنایع نظامی و البته رشد همه‌جانبه اقتصادی و اجتماعی را در سر می‌پروراند، دسترسی به چاه‌های غنی نفت برای نوسازی نیروهای زمینی، دریایی و هوایی‌اش ضروری‌تر از هر کار دیگری بود. اسناد موجود در وزارت امور خارجه آلمان نشان می‌دهد که حوزه‌های نفتی ایران و عراق از پیش از آغاز جنگ تا چه اندازه برای مقامات آلمانی اهمیت داشته‌اند. پیشروی سریع آلمان در خاک اتحاد جماهیر شوروی در تابستان ۱۳۲۰، فرماندهان انگلیسی را به این نتیجه رساند که مقاومت ارتش سرخ در برابر ارتش نازی در مدت شش هفته و حداکثر تا سه ماه تمام خواهد شد. پیش‌بینی‌هایی از این دست، بر نگرانی‌های انگلیس می‌افزود. روسای ستاد ارتش انگلیس از آن بیم داشتند که با از دست رفتن قفقاز و شمال ایران و پیشروی آلمان در شمال آفریقا، کل منطقه خاورمیانه زیر سلطه آلمان نازی قرار گیرد که به این ترتیب هم حوزه‌های نفتی خاورمیانه و هم هندوستان در معرض تهدیدی جدی قرار می‌گرفت. البته ارتش آلمان نازی در دستیابی به مناطق مهم قفقاز که دارای چاه‌های نفتی بود ناکام ماند و این ناکامی توان ارتش آلمان را کمتر از پیش کرد تا در نهایت نتیجه جنگ را واگذار کند. هر چند واقعیت این است که اشغال ایران در شهریور ۱۳۲۰ تنها به جهت برخورداری کشور از منابع عظیم نفتی در حوزه خلیج فارس و دریای خزر رخ نداد، ولی اهمیت این منابع در پیروزی یا شکست نهایی جنگ، امری غیر قابل تردید است.^۱

■ مشخصات بین‌المللی بر سر نفت

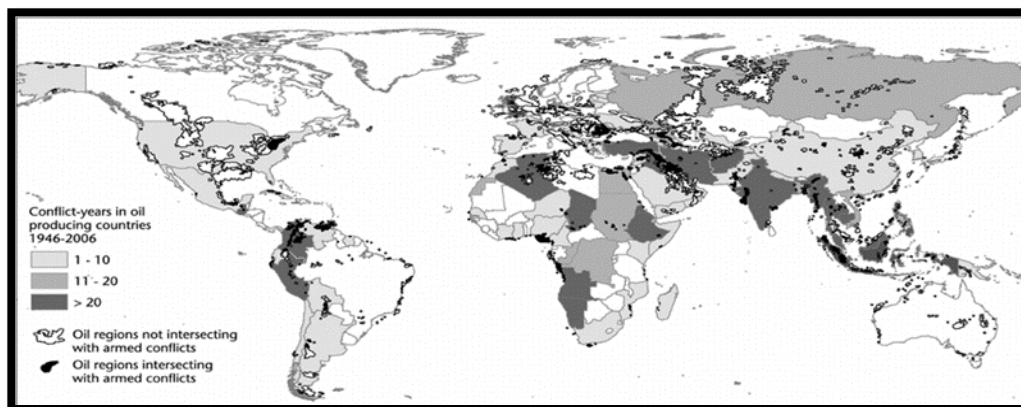
صنعت جهانی نفت، در شکل‌گیری سیاست و توسعه اقتصادی کشورهای تولید کننده و کشورهایی که در تعامل با آن هستند عمیقاً نقش دارد. نفت از ویژگی‌هایی برخوردار است که سایر منابع انرژی الزام‌داری چنین مشخصه‌هایی نیستند. از جمله این ویژگی‌ها می‌توان به «سهولت تمرکز درآمدهای نفتی و سهل‌المعاوضه بودن نفت مناطق» مختلف اشاره نمود.

نفت ویژگی خاصی دارد. کشورهای نفتی بیشتر از سایر کشورها در معرض خطر جنگ‌ها و کشمکش‌های داخلی هستند. درگیری‌های بین‌المللی مربوط به کشورهای صادرکننده نفت - یا به عبارتی کشورهای نفتی (Petrostates) - به طور متوسط حدود ۵۰ درصد بیشتر از مشابه آن برای کشورهای غیرنفتی است. از طرفی رشد اقتصادی این کشورها - با نظر به ذخایر بالقوه و وسیع منابع طبیعی که از آن برخوردار هستند - کمتر از میزان مورد انتظار است و ضمناً در قیاس با کشورهای غیر نفتی، دارای رشد اقتصادی آسیب پذیرتری هستند. احتمال اینکه چنین

۱. تاریخ ایرانی ۱۳۹۰/۰۶/۲۵

کشورهایی (صاحب منابع نفتی) درگیر فساد شوند بیشتر است، اما درآمدهای نفتی آنها می‌تواند تحت شرایط درست به سمت فراهم آوردن طیف وسیعی از کالاها و خدمات با ارزش عمومی و تغذیه نهادهای پایدار (اجتماعی، سیاسی و اقتصادی) منجر شود. اثر خالص نفت بر یک کشور – چه در حوزه داخلی و چه در عرصه سیاست خارجی آن کشور – به شکل فوق العاده مهمی به سیاست داخلی آن، خصوصا اولویت‌های رهبران آن کشور وابسته است. پس تمایل کشورهای نفتی به ورود به کشمکش‌های بین‌المللی، بدون تجزیه و تحلیل این نظام‌ها میسر نیست. مجموعه‌ای از این کشورها تهدید خاصی برای امنیت و صلح بین‌المللی هستند و ۳.۵ برابر کشورهای عادی در درگیری‌های بین‌المللی ورود پیدا می‌کنند. از سویی دیگر گرایش‌های مکرری در تقریباً تمام کشورهای تولیدکننده نفت (برای ورود به کشمکش‌های بین‌المللی) وجود دارد.^۱

در عین حال نقشه کانون‌های بحران‌زای نفتی را در نمودار پایین می‌توان به خوبی دید.^۲



رفتارهای مشترک کشورهای نفتی در حوزه سیاست داخلی و خارجی

کشورهای نفت خیز دارای مولفه‌های مشترک در عرصه سیاست داخلی هستند.

از حیث سیاسی، رانت نفت سبب جدایی دولت از مردم و سلطه آن بر جامعه می‌گردد. درآمد عمده این دولت‌ها که معمولاً از محل صادرات نفت است سبب استقلال دولت از طبقات اجتماعی، و همچنین وابسته شدن آنها به نهاد دولت و قرار گرفتن این نهاد بر فراز جامعه می‌شود. استقلال مالی دولت به آن اجازه می‌دهد خواست‌های خود را بر جامعه تحمیل کند.

از حیث اقتصادی، رانت نفت سبب تضعیف انگیزه کار، تضعیف بخش خصوصی، گسترش فرهنگ رانت‌خواری، مصرف‌گرایی و اتلاف منابع اقتصادی می‌شود. در اقتصادهای متکی بر رانت نفت، بخش زیادی از ثروت کشور از ذخایر نفت ناشی می‌شود، نه نیروی کار. این امر انگیزه نیروی کار را برای کار سخت و رقابت اقتصادی تضعیف می‌کند.^۳ اما دولت‌های نفتی علاوه بر سیاست داخلی در حوزه سیاست خارجی نیز دارای رفتارهای نوعاً مشابهی هستند از جمله:

^۱ . دیپلماسی ایرانی ۱۳۹۴ / ۰۱ / ۰۷

^۲ . Conflict in oil countries, 1946–2006. Source: Uppsala Conflict Data Program

^۳ . نفت، توسعه و جهان سوم، زمانه ۱۳۸۷ شماره ۶۹، نویسنده محمدرحیم عیوضی



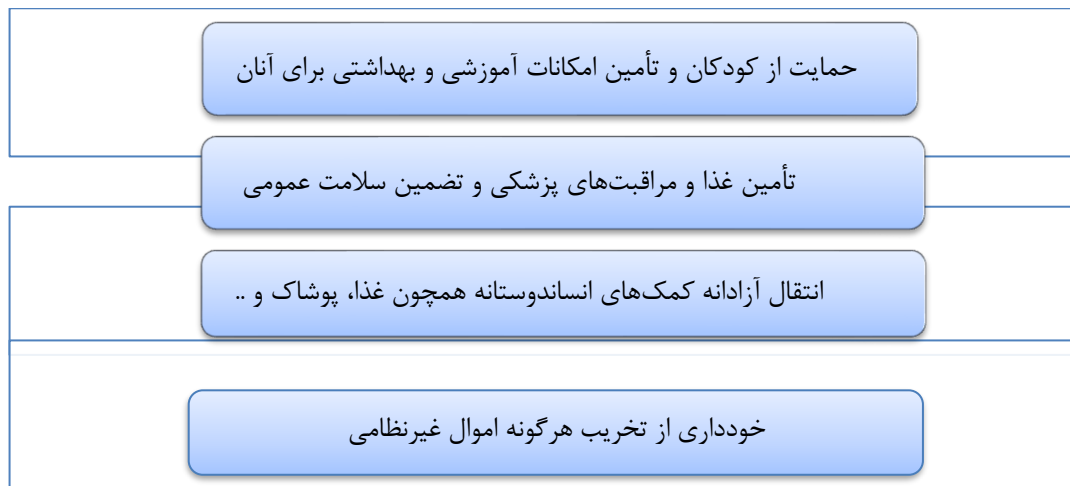
■ تعهدات قانونی اشغالگر در قبال سرزمین‌های اشغالی

اسناد بین‌المللی به دلیل نامشخص بودن عناصر تشکیل دهنده مفهوم اشغال؛ کمتر به بیان معنا و مفهوم آن پرداخته‌اند. یکی از این موارد انگشت‌شمار؛ اسناد بخش سوم کنوانسیون‌های لاهه است که قواعد حقوق بین‌الملل عرفی مشخصات مسلحانه را تدوین کرده است. در این اسناد اشغال این گونه تعریف شده است: «اقتدار و حاکمیت نظامی بر سرزمین یکی از طرفین مخاصمه» همچنین ماده ۴۲ کنوانسیون چهارم لاهه در تعریف اشغال بیان می‌دارد: «زمانی سرزمینی اشغالی محسوب می‌شود که به طور واقعی تحت حاکمیت نیروی نظامی متخاصم قرار گرفته باشد. به بیان دیگر، به موجب ماده ۹۵ کنوانسیون چهارم لاهه در بیان مفهوم اشغال می‌توان گفت که اشغال در شرایطی محقق می‌شود که حاکمیت واقعی نیروی مسلح متخاصم بر سرزمین شکل گیرد و نیروی مسلح متخاصم از توانایی اعمال حاکمیت برخوردار باشد. جدای از مطالب بالا، اعلامیه ۱۸۷۴ بروکسل نقشی تعیین کننده در تدوین مفهوم اشغال دارد. در پیشنویس اولیه این اعلامیه، در بیان مفهوم اشغال آمده است: سرزمین متعلق به یکی از طرفین مخاصمه زمانی اشغالی محسوب خواهد شد که به صورت واقعی تحت حاکمیت نیروهای مسلح متخاصم قرار گیرد. نکته مهم در حقوق اشغال این است که اشغال نباید حاکمیت را تحت تأثیر قرار دهد. واقعیت آن است که دولت شکست خورده سلطه خود را موقتاً در سرزمین اشغالی از دست داده و قدرت اشغالگر نیز موقتاً و تنها میزان محدودی از صلاحیت‌ها را در سرزمین اشغالی دارا می‌شود اما سلطه لازم را به دست نمی‌آورد. در مجموع وضعیت اشغالگر در سرزمین اشغالی مبین آن نخواهد که قدرت اشغالگر حاکمیت سرزمین اشغالی را به دست آورده باشد.

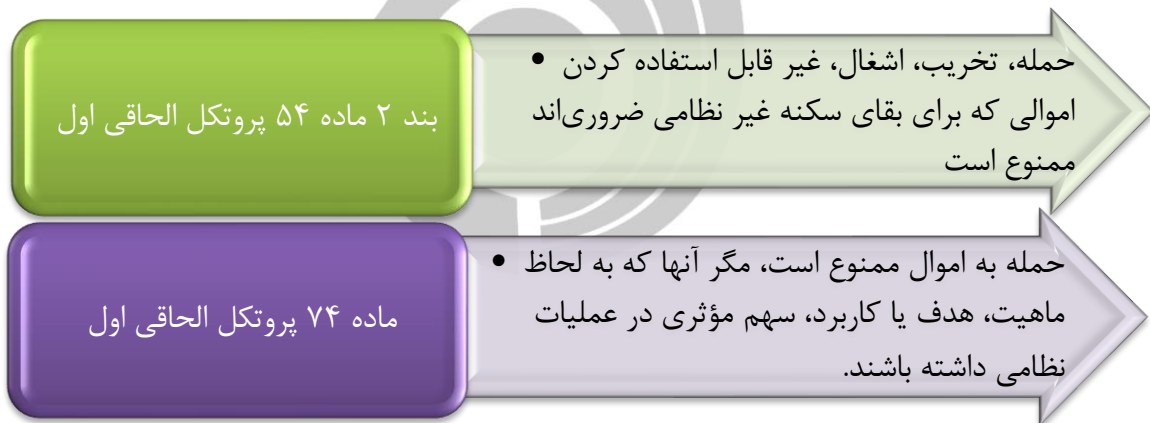
حقوق و تکالیف اشغالگر

اساساً حقوق و تکالیف اشغالگر به این پرسش پاسخ می‌دهد که بعد از پایان مخاصمات و شروع عملی اشغال سرزمین، چه قواعدی بر سرزمین اشغالی و شهروندانش حاکم خواهد بود. حقوق بین‌الملل مقررات «مربوط به اشغال سرزمین در زمان جنگ» و نیز هنگامی که غیرنظامیان پس از آتش‌بس یا ترک مخاصمه یا در فقدان حل و فصل سیاسی، تحت حاکمیت نظامی اشغالگر قرار می‌گیرند، را تنظیم می‌کند. هرچند حقوق اشغال به ویژه کنوانسیون چهارم ژنو تلاش دارد تا توازنی میان حقوق اشغالگر و حقوق مردم سرزمین‌های اشغالی برقرار کند، اما هدف بنیادین کنوانسیون یادشده آن است که ادعاهای مربوط به ضرورت اقدامات نظامی، به نقض حقوق بنیادین سیاسی و بشری غیرنظامیان تحت اشغال منجر نشود. با توجه به تغییرات به وجود آمده در میدان جنگ، کنوانسیون چهارم ژنو با این هدف نگاهشده شد که به بسترهای کمتر اهمیت داده شده از سوی کنوانسیون‌های لاهه بپردازد و خلاءهای موجود راجع به حمایت و حفاظت از غیرنظامیان را از میان بردارد.

برخی از تعهدات مندرج در کنوانسیون چهارم ژنو در خصوص سرزمین‌های اشغالی به شرح زیر است:



تکالیف یادشده در بالا نشان می‌دهد که قدرت اشغالگر باید تضمین کند که زندگی در سرزمین‌های اشغالی تا آنجا که ممکن است، به صورت عادی ادامه یابد. ماده ۴۳ کنوانسیون دوم لاهه در خصوص جنگ‌های زمینی تصریح می‌کند که اقتدار و حاکمیت قدرت مشروع در دست اشغالگر است، به همین دلیل باید همه اقدامات لازم را تا حد ممکن جهت بازسازی و تضمین امنیت و نظم عمومی اتخاذ کند. قدرت اشغالگر همچنین باید به حقوق لازم الاجرا در کشور اشغال شده احترام بگذارد و احترام به زندگی افراد، اموال خصوصی و عقاید و مراسم مذهبی را تضمین کند. قدرت اشغالگر همچنین براساس کنوانسیون چهارم ژنو تعهداتی ایجابی همچون تضمین تأمین امکانات بهداشتی و غیره را برای جمعیت غیرنظامی برعهده دارد. البته علاوه بر موارد بالا که به طور کلی و عمومی به تکالیف نیروهای اشغالگر و حقوق شهروندان سرزمین‌های اشغالی اشاره دارد، به موارد اختصاصی از جمله مواد ۵۴ (بند ۲) و ماده ۷۴ پروتکل الحاقی اول (به کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹) اشاره کرد.

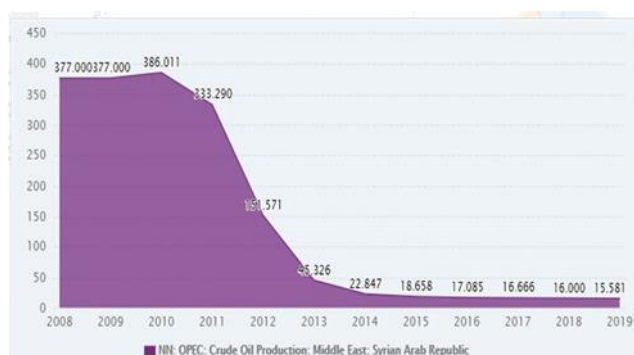


بند ۲ از ماده ۵۴ از فصل سوم پروتکل اول الحاقی کنوانسیون ژنو در این باره تصریح می‌کند: حمله، تخریب، اشغال، غیر قابل استفاده کردن اموالی که برای بقای سکنه غیر نظامی ضروری است؛ نظیر مواد غذایی، زمین‌های کشاورزی برای تولید مواد غذایی، تأسیسات آب آشامیدنی و مانند آن ممنوع است. همچنین ماده ۷۴ پروتکل الحاقی یادشده در مقام بیان اعلام می‌دارد: حمله به اموال ممنوع است، مگر آنها که به لحاظ ماهیت، هدف یا کاربرد، سهم مؤثری در عملیات نظامی داشته باشند. با توجه به مواد یادشده و تفاسیر ارائه شده در رویه‌های قضایی و دکترین‌های حقوق بین الملل، غارت اموال و دارایی‌های سرزمین‌های اشغالی کاملاً مردود و ممنوع است.

■ آمریکا و تاراج نفتی سوریه

سوریه از جمله کشورهای مهم جهان عرب و خاورمیانه است که از مقداری منابع انرژی برخوردار است که این میزان از منابع هر چند در حد کشورهای مهم نفتی نیست ولی به اندازه رفع نیازهای داخلی و صادرات بخش کوچکی از آنها است. بر اساس اطلاعات موجود سوریه در سال ۲۰۱۰ تقریباً روزانه ۱۵۰ هزار بشکه نفت در روز صادر می‌کرد که مقصد عمده آن نیز کشورهای اروپایی از جمله ایتالیا و آلمان بود. این در حالی است که اندکی پس از شروع جنگ داخلی و در سال ۲۰۱۴ میزان تولید روزانه نفت این کشور به شدت افت کرد.

میزان تولید نفت سوریه از ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۹ (هزار بشکه در روز)



از سال ۲۰۱۴ که داعش توانست با تصرف چاه‌های نفت سوریه به درآمدهای هنگفتی دست یابد، آمریکا نیز به بهانه کمک به کردهای سوریه در جهت مبارزه با داعش، وارد خاک این کشور شد. حال داعش باید از یک طرف با نیروهای دموکراتیک سوریه (Syrian Democratic Forces) که تحت حمایت آمریکا بودند می‌جنگید و از طرف دیگر نیز باید با نیروهای تحت حمایت ترکیه وارد جنگ می‌شد. این گروه که توانایی جنگ در دو جبهه را نداشت برای اینکه بتواند از تضعیف خود جلوگیری کند از مناطق شمالی و شمال شرق سوریه عقب نشست. خروج داعش از مناطق فوق، سبب شد تا منابع مهم نفت سوریه مانند میدان‌های العمر با ۸۰ هزار، رمیلان ۹۰ هزار و السویدییه با ۱۱۰ هزار بشکه در روز که در شمال این کشور قرار داشتند به دست کردها و آمریکا بیفتند. در مهرماه ۹۸ بود که با اعلام ترکیه مبنی بر حمله به شمال سوریه، آمریکا نیز با این استدلال که مبارزه با داعش به اتمام رسیده است، اعلام کرد که نیروهای خود را از سوریه خارج خواهد کرد. با این حال چندی بعد ترامپ اعلام کرد که در این کشور خواهیم ماند. در واقع نفت، تبدیل به انگیزه آمریکایی‌ها برای ماندن در سوریه شد. از سوی دیگر در مردادماه ۹۹ بود که یک سناتور آمریکایی فاش کرد که فرمانده نیروهای دموکراتیک سوریه (SDF) توافقی را با یک شرکت نفتی آمریکا برای توسعه میادین نفتی در شمال و شمال شرق سوریه امضا کرده است. «بسام طعمه» وزیر نفت سوریه با تاکید بر اینکه ۹۰ درصد ذخایر نفت این کشور در مناطق تحت سلطه اشغالگران آمریکایی است افزود: آمریکایی‌ها نفت سوریه و نفتکش‌هایش را هدف قرار می‌دهند. وی میزان خسارت‌های وارده (به طور مستقیم و یا غیرمستقیم) به بخش نفت این کشور را بیش از ۹۲ میلیارد دلار اعلام کرد.^۱

^۱. خبرگزاری مهر ۱۳۹۹/۱۰/۲۰

■ نتیجه‌گیری

نفت موتور توسعه و پیشرفت اقتصاد جهانی است. این منبع انرژی با وجود گذشت نزدیک به یک قرن از شناخته شدن و استفاده در صنایع گوناگون و با وجود معرفی منابع جدید انرژی هنوز هم بیشترین میزان استفاده را به خود اختصاص داده است. بنابراین بهره‌مندی از منابع انرژی یادشده موهبتی بزرگ برای کشورهای دارنده آن ذخایر است. اما مسئله به این جا ختم نمی‌شود بلکه پیامدهای گوناگونی در پی دارد. اولاً کشورهای دارنده ذخایر یادشده معمولاً دارای دولت‌های رانتیر هستند که آنها از ویژگی‌های خاصی در سیاست داخلی و یا سیاست خارجی برخوردارند. علاوه بر آن بهره‌مندی از منابع یادشده احتمال شعله ور شدن آتش جنگ را میان همسایگان تا حدّ زیادی افزایش می‌دهد؛ به طوری که برخی میزان درگیری‌های بین‌المللی کشورهای یادشده (کشورهای نفتی) را ۵۰ درصد بیشتر از بقیه می‌دانند. بنابراین بهره‌مندی از ذخایر انرژی یادشده علاقه و وسوسه همسایگان برای اشغال سرزمین‌های نفتی را تشدید می‌کند. حال سؤالی که اینجا مطرح می‌شود این است که حقوق بین‌الملل در مواجهه با این مسئله چه راهکاری پیشنهاد می‌دهد؟ به دیگر سخن تکالیف نیروهای اشغالگر در قبال شهروندان و حتی سرزمین‌های اشغالی چیست؟ در پاسخ باید گفت اصول کلی حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه بین‌المللی ضمن تاکید بر ضرورت رعایت حقوق شهروندان غیر نظامی در سرزمین‌های اشغالی، نیروی اشغالگر را موظف کرده در جهت رعایت حقوق مسلم انسانی آنها تلاش کند. حمایت از کودکان و تأمین امکانات آموزشی و بهداشتی برای آنان، تأمین غذا و مراقبت‌های پزشکی و تضمین سلامت عمومی، انتقال آزادانه کمک‌های انسان‌دوستانه همچون غذا، پوشاک و ... از جمله این حقوق مسلم و مصرح است. اما علاوه بر این پروتکل الحاقی کنوانسیون‌های ژنو تاکید می‌کند؛ تخریب و غارت اموال که موجب سختی زندگی برای شهروندان مناطق اشغالی شود مردود و ممنوع است. با توجه به اسناد و مدارک متقن متعدد اقدام دولت آمریکا مبنی بر تسلط بر چاه‌های نفت سوریه و غارت منابع یادشده، مشکلات متعددی را برای شهروندان سوری ایجاد کرده که مصداق نقض تعهدات نیروهای اشغالگر است.

مشاوره
معاونت سیاسی
صدا و سیما